

ماهنامه مردم در جشن روزنامه «اومانیته» شرکت کرد

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

سی و یکمین جشن روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۰ و ۱۱ سپتامبر در پارک ون سان نزدیک پاریس تشکیل شد. در این جشن که بزرگترین جشن اومانیته از بدو تأسیس آن تا کنون بود در حدود یکمیلیون نفر شرکت کردند. کوی مخصوصی جهت روزنامه هلی احزاب برادر کمونیست و کارگری در نظر گرفته شده بود تا این مطبوعات با ترتیب نمایشگاه زندگی و مبارزه مات خویش را

نشان دهند. ۲۲ حزب از ۵۰ قاره جهان نمایشگاههایی ترتیب داده بودند. «ماهنامه مردم» نیز در این جشن با دانه کردن غرقه مخصوص خود شرکت نمود. شعار «آنها که زنده اند مبارزه میکنند» «اینجا جان دادند تا ایران زنده بماند» با حروف درشت بزبان فرانسه بالای نمایشگاه «ماهنامه مردم» بچشم میخورد. حزب ما سعی کرده بود با نشان دادن زندگی مردم شرایط کار و محرومیتهای کارگران و دهقانان ایران، صحنه هایی از مبارزات مردم «میتینگها» «دemonstrations» «اعتصامها» حملات نیروهای انتظامی به صفوف نمایش دهندگان «مبارزات ایرانیان ودانشجویان خارج از کشور» تصاویر شهدای نهضت «قهرمانان ملی» زندانیان سیاسی، تلاش و مبارزه ملت ایران و حزب

توده ایران را برای یک زندگی بهتر نشان دهد. تصاویر قهرمانان ملی ایران مانند ستار خان، حیدر عمو افغانی، خیابانی و روزبه، مبارزان جوان مانند وارطان و کوچک شوشتری صحنه هایی از تیر باران افسران توده ای گروه سیلمک و تصویر فاطمی در این نمایشگاه جای داشتند. تصویر بزرگ دکتر ارانی و دکتر مصدق عسکهای مربوط به دادگاه نظامی حکمت جو و خاوری تصویر بنجوردی و عسکهای از تظاهرات وسیع جهانی که برای نجات جان آنان انجام گرفت در غرقه مخصوص ماهنامه مردم دیده میشود. چند قابچه نفیس ایرانی و عسکهای از شرایط زندگی و کار آفرینندگان خود بقیه در صفحه ۸

در باره حوادث اخیر چین

تحولات ماههای اخیر بویژه حوادثی که پس از پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در این کشور صورت میگردد بیش از پیش نگرانی عمومی احزاب کمونیستی و کارگری و همه دوستداران و علاقمندان را برانگیخته است. پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ماه گذشته چهار سال پس از پلنوم دوم در پکن تحت ریاست رفیق ماوتسه تونگ تشکیل گردید و به تصمیمات و اقدامات چهار ساله بوروی سیاسی حزب صحه گذاشت و خط مشی عمومی انحرافی رهبری حزب کمونیست چین را که با مظاهر فراوانی از ناسیونالیسم و هژمونیسیم و کیش شخصیت در آمیخته است تأیید نمود. باید افزود که این تأیید در حکم نقض صریح تصمیمات آخرین کنگره حزب کمونیست چین (کنگره هشتم) است که دهسال پیش تشکیل شده بود. در اطلاعیه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مخصوصاً تصریح شده است که نامه بیست و پنج ماده ای معروف مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ که در آن برای نخستین بار بلاغرفم جدید رهبری حزب کمونیست چین مطرح گردیده است و همچنین نه مقاله ای که در روزنامه ژن مین ژیبائو و مجله خونستی بعنوان پاسخ نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتشار یافته اند همه و همه با نظر رفیق ماوتسه تونگ تدوین شد و مورد تأیید کامل پلنوم یازدهم است.

در اطلاعیه پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین یکبار دیگر اتهامات بکلی بی اساس سابق نسبت به رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر رأس آژموده ترین گردان جنبش کمونیستی جهانی قرار دارد تکرار شده است. حزب ما این اتهامات زنیه و ناسزا گوئیها را شدیداً محکوم میکند و معتقد است این شیوه عمل بزبان همه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در درجه اول بزبان کسانی است که چنین شیوه ای را برگزیده اند. تجارب نزدیک به پنجاه سال که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر میگذرد ثابت نموده است که «کمونیسم ضد شوروی» هرگز وجود نداشته و نمیتواند وجود داشته باشد. حزب ما عقیده دارد که امروز مانند هر وقت دیگری ملاک انقلابیت هر حزب و هر گروه و هر فردی دوستی و احترام وی بکشورهای سوسیالیستی و در درجه نخست بکشور شوراهست که لنین بزرگ اسلگزار آنست. به برکت رهبری به اصطلاح انقلابی حزب کمونیست چین این روزها بکن به بزرگترین کانون تبلیغات نه بر علیه امپریالیسم بلکه علیه شوروی بدل گردیده و خیابانهای اطراف سفارت شوروی در این شهر به صحنه نمایشهای بسیار زشت و خجلت آوری بر ضد شوروی تبدیل شده است که دنیای سوسیالیسم و جنبش بقیه در صفحه ۶

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

(ترها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب)

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران طرح سند حاضر را بین رفقای کمیته مرکزی (اعضاء اصلی و مشاور) و اعضاء هیئت تحریریه مطبوعات و رادیوی حزبی به مشاوره گذاشت و اینک این سند از طرف بوروی کمیته مرکزی پس از در نظر گرفتن بسیاری از تذکرات سوزمند رفقا و باستقبال جشن مهرگان امسال که با بیست و پنجمین سال تأسیس حزب مصادف است منتشر میگردد. بوروی کمیته مرکزی کوشیده است تا در این سند به مسائل حد حزب و نهضت پاسخ دهد و یا پاسخهای موجود را دقیق تر و روشن تر سازد. ما همه رفقای حزبی و دوستان و هواداران حزب را به بررسی این سند دعوت میکنیم و خواهش داریم نظریات اصلاحی و تکمیلی خود را برای توضیح و تمیح آن این سند یا بمنظور کمک فکری به تدارک اسناد نظیر «برای بوروی کمیته مرکزی هرچه زودتر ارسال دارند.

۱ - ویژگیهای فعالیت حزبی طی ربع قرن گذشته و جایگاه آن در تاریخ کشور ما

۱ - امسال جشن باستانی مهرگان، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر که جشن تأسیس حزب توده ایران است با بیست و پنجمین سال تأسیس این حزب مصادف است. جنبش انقلابی کارگری در ایران دارای یک پیشینه شصت ساله است. «مرا کزغیبی» سوسیال دمو کراسی انقلابی در جنبش بزرگ و برافتخار مشروطیت ایران نقش سازمانده و الهامگر را ایفا کرده اند. «حزب کمونیست ایران» که از درون سوسیال دمو کراسی انقلابی بیرون آمد، سنن آنرا ادامه داد و در زمینه ترویج اندیشه کبیر مارکسیسم - لنینیسم و پرورش کادر انقلابی، در راه افشای ارتجاع و استعمار و مبارزه علیه آنها فعالیت شریخش کرد. حزب توده ایران در مهر ماه ۱۳۲۰ بعنوان ادامه دهنده کار حزب کمونیست ایران با شرکت بازمندگان سازمان های انقلابی پیشین که اکثراً از زندانها و تبعیدگاهها بازگشته بودند و در اثر سقوط حکومت استبدادی رضا شاه امکان فعالیت یافته بودند، تشکیل شد. حزب طی مدت کوتاهی پس از تأسیس خود از چند حوزه کوچک یک جنبش عظیم و ایرانگیر بدل گردید و علیرغم پورشها و توطئه های ارتجاع و امپریالیسم سرعت در میان کارگران و دهقانان، روشنفکران و دیگر قشرهای زحمتکش نفوذ یافت. ۲ - حزب توده ایران طی یک چهارم سده، طی دورانی که در جهان و ایران رویداد های بزرگ و شگرفی گذشته و تاریخ فراز و نشیب های عبرت آمیزی را پیموده است، بقاء و هستی خویش را با سرسختی حفظ کرده است. راز این بقاء در آنستکه پیدایش حزب توده ایران امری تضادفی نبود. پیدایش حزب توده ایران ناشی از ضرورت های رشد جامعه ایران و بویژه رشد طبقه کارگر و جنبش رهائی بخش مردم ایران بود. جامعه ایران به حزب طراز نوین طبقه کارگر مجهز به جهان بینی انقلابی و علمی مارکسیسم - لنینیسم که بتواند تناقضات اجتماعی را بدرستی بازشناسد، درمان دردهای آنرا بدست دهد، در برابرش افق روشن تلاش و نبرد برای نیل به دمو کراسی و سوسیالیسم بگشاید و برنامه علمی یک تحول بنیادی جامعه را عرضه دارد و در راه تحقق چنین برنامه ای صادقانه و بیگانه برزمد، نیاز فراوان داشت. علت دیگر بقاء و جان سختی حزب آنست که وی به سنن نهضت های انقلابی نیم قرن اخیر ایران تکیه کرد و پیوسته پیونده خویش را با مردم حفظ نمود و مظهر بقیه در صفحه ۲

درد بر خلق قهرمان ویتنام ده با مقاومت بی نظیر در برابر امپریالیسم متجاوز آمریکا از آزادی خویش دفاع میکند

هموطن عزیز! خواهران و برادران! آتش جنگ تجاوزکارانه ای که بیماگران امریکائی در ویتنام برافروخته اند بیش از پیش دامنه و وسعت مییابد. امپریالیستهای امریکائی که با وجود نیروی هنگفت نظامی و تجهیزات عظیم جنگی خویش تا کنون کوچکترین موفقیتی در این جنگ رسوا بدست نیآورده اند، میکوشند تا بلکه بزور بمبهای آتش زا با افشاندن مواد گوگردی و سمی روحیه استوار مردم ویتنام را متزلزل کنند و خلق قهرمان ویتنام را از پا در آورند. روزی نیست که صد ها خانه و کاشانه مردم دلیر ویتنام، در شمال و جنوب این کشور ویران نگردد و صد ها نفر کودک و زن و مرد در این آتش بیدار نسوزند. گسترش دامنه جنگ تجاوزکارانه در ویتنام و مداخله نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا در جنوب این کشور و در جمهوری دموکراتیک ویتنام نه تنها ناقض ابتدائی ترین اصول انسانی و قواعد بین المللی است، بلکه روز بروز خطر در گیر شدن یک جنگ جدید جهانی را بیشتر میکند و صلح عمومی را بیش از پیش مورد تهدید قرار میدهد. پایداری بی نظیر و مقاومت قهرمانانه خلق

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تراها، رهنمودها و شعارهای کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

بهترین منویات و آرمانهای آنان شد. طی ربع قرن اخیر احزاب متعددی برای مقابله با حزب ما و جنبش مردم ازسوی هیئت‌ها که، دولت، دربار ساخته و پرداخته شدند که همگی از حمایت امپریالیسم و ارتجاع برخوردار بودند ولی پس از چندی از میان رفتند و یا از آنها جز نامی و عنوانی در میان نیست. ولی حزب توده ایران با آنکه آماج اصلی آتش ارتجاع و استعمار بوده و مصائب فراوانی را متحمل شده است کماکان پایدار است.

۳ - حزب توده ایران طی زندگی خود بتدریج بعنوان یک حزب طراز نوین طبقه کارگر نضج و قوام یافت و مشی خود را در جریان مبارزه از جهت انعکاس عمیقتر خواستها و مصالح طبقه کارگر و متحدین اجتماعی وی دمدم مشخص تر ساخت. تاریخ بیست و پنجساله حزب از مراحل مختلف میگردد و سرشار از تنوع اشکال مبارزه است. میتوان تاریخ حزب را بسه دوران اساسی تقسیم کرد:

دوران اول - دوران فعالیت علنی حزب (از مهر ماه ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۲۷)،
دوران دوم - دوران فعالیت غیر علنی حزب تا کودتای شاه - زاهدی (از بهمن ۱۳۲۷ تا مرداد ۱۳۳۲)،
دوران سوم - دوران فعالیت حزب در رژیم کودتا (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا امروز).

حزب در دوران فعالیت عانی خود به بزرگترین نیروی سیاسی و اجتماعی خلق برای مقابله با ارتجاع و استعمار مبدل شد، دردولت و مجلس شرکت یافت، دهها هزار نفر را در صفوف خود و صدها هزار نفر را در صفوف اتحادیه‌هایی که تحت رهبری توده‌ایها بود متشکل ساخت. حزب در دوران بعدی بسرعت توانست سازمان مخفی نیرومندی بوجود آورد و با موفقیت کار مخفی و علنی را باهم پیوند دهد و در جنبش ملی کردن صنایع نفت ایران نقش بزرگی ایفاء کند و سرانجام حزب در دوران سوم کوشید تا بر دشواریهای ناشی از یورش بی‌امان دشمن و بحران و اختلافات درونی غلبه کند و چراغ نهضت و مبارزه را فروزان نگاه دارد. چنین حزبی که از کوره امتحانات متعدد بیرون آمده و کماکان و بحق در صف مقدم جنبش رهایی بخش ایران بیکار نمیکند و سمت و شور انقلابی خود را در نامساعدترین شرایط محفوظ داشته و وفاداری بی‌خلل خود را به آرمانهای طبقه کارگر ایران نگاهداشته است، حق دارد به آینده خود با امید بنگرد.

۴) حزب ما طی ربع قرن درفش اندیشه ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم را افرشته نگاهداشته و با انواع انحرافات چپ و راست، سکتاریستی و اپورتونیستی مبارزه کرده است. حزب ما با انطباق مارکسیسم - لنینیسم بر

شرایط ایران و ترویج وسیع این اندیشه انقلابی در کشور ما شیوه عمل انقلابی و منطق انقلابی را در اعماق روح قشرهای دموکراتیک جامعه ایران رخنه داده است. حزب ما طی این ربع قرن پرچم انترناسیونالیسم پرولتری، همستیگی با احزاب برادر کمونیست و کارگری و بویژه حزب کمونیست شوروی - آزموده ترین و آبدیده ترین گردان جنبش کمونیستی جهانی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی را سرفراز نگاهداشته و با پدیده‌های کوتاه نظرانه ناسیونالیستی و روشهای تفرقه جویانه در نهضت کارگری و کمونیستی جهانی مبارزه کرده است.

۵ - حزب ما با ادامه سنن سوسیال دموکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران توانست نقش بزرگی در رستاخیز سیاسی و اجتماعی و معنوی کشور و بیداری مردم آن با دامنه‌ای بر مراتب وسیعتر از گذشته ایفاء نماید و مهر و نشان خود را بر حوادث ربع قرن اخیر کشور بگذارد و شهرت و اعتباری انکارناپذیر در کشور و جهان کسب کند. در تاریخ کشور ما چنین حزبی با چنین دامنه عمل و تأثیر و شهرت و اعتبار سابقه نداشته است.

۶ - حزب توده ایران در راه استقلال و حاکمیت کشور و علیه امپریالیسم و استعمار نو و کهنه مبارزات جانانه کرده است. این حزب نخستین حزبی است که مسئله مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو و کهنه را در کشور بمعنای وسیع و عمیق آن مطرح کرده و توده های مردم را بسوی این مبارزه، سوق داده است. حزب همزمان پیدایش خود با فاشیسم که در آن هنگام آزادی و استقلال ملل جهان را دستخوش تهدیدی مرگبار ساخته بود و در ایران شبکه وسیع عوامفریبی و خرابکاری خود را گسترده بود وارد مبارزه شد و توانست چهره دد فاشیسم را بردم ایران بشناساند و عمال هیتلریسم را در ایران منفرد سازد. مبارزه علیه دسائس گوناگون امپریالیستهای امریکا و انگلیس و عمال آنها صفحات درخشانی از نبرد حزب ما در راه استقلال واقعی کشور است. امپریالیستها در کشور ما دارای ریشه های عمیقی در قشرهای حاکمه و دارای عمال فراوان و رنگارنگ و شبکه های وسیع جاسوسی و وسائل و اهرمهای مختلف کار و اعمال نفوذند. از این جهت مبارزه با این دشمن بزرگ مردم ایران کار ساده ای نبود و نیست. پیگیری و شور و شجاعتی که حزب ما در این مبارزه بخرج داد وی را مورد کین بی‌پایان امپریالیسم قرار داده است. امپریالیستها بکلیه وسائل از اعمال قهر آشکار تا شیوه های ظریف نیرنگ و فریب متوسل شده و میشوند تا از گسترش نفوذ حزب ما و پیشرفت

آن جلوگیری بعمل آورند و این خود به بهترین نحوی نشان میدهد که کدام حزب در راه رهایی واقعی کشور از زنجیر اسارت امپریالیستی مبارزه مؤثر میکند.

۷ - حزب بمحض تأسیس خود نبرد با عمال رضا شاه را یکی از شعارهای خویش قرار داد و بعد ها با تمام قوا کوشید تا از تجدید دیکتاتوری در کشور جلوگیری بعمل آورد و دستگاه دولتی از عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم تصفیه گردد. حزب ما در راه آزادیهای دموکراتیک، اجراء اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، علیه استبداد و سلطنت مطلقه محمد رضا شاه و عمال آن با تمام قوا مبارزه کرده است. همین مبارزات پیگیر حزب است که کینه سوزان دربار پهلوی و سلطنت مطلقه را بسوی وی برانگیخت. ارتجاع ایران بارها سرکوب حزب ما را مقدمه ضرور سرکوب جنبش استقلال طلبی و آزادیخواهی ایران شمرده و در واقع نیز تاخت و تاز علیه حزب ما خواه پس از بهمن ۱۳۲۷ و خواه پس از مرداد ۱۳۳۲ مقدمه تاخت و تاز علیه دیگر سازمانهای ملی و مترقی بود.

۸ - حزب توده ایران در راه تجمع و اتحاد کلیه نیروهای دموکراتیک و انقلابی خواه برای نیل بهدفعهای تاکتیکی و خواه در راه هدفهای استراتژیک نهضت و برای تقویت جبهه مبارزه بر ضد استعمار و ارتجاع طی تاریخ حیات خود مبارزات و اقدامات مؤثری بعمل آورده است و بنتایج معینی رسیده است. پیدایش «جبهه آزادی» اقدامات فراکسیون حزب ما در مجلس ۱۴ برای همکاری با عناصر مترقی در مبارزه علیه اقدامات و توطئه های سید ضیاءالدین طباطبائی و دکتر میلیسیو و حکومتهای ساعد و صدر و حکیمی و غیره، تشکیل «جبهه مؤتلف احزاب آزادیخواه»، «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری» همه و همه ثمرات مشخص کوشش حزب ما در این زمینه است. حزب ما در حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تمام قوا برای سقوط حکومت خائن قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق بقدرت همراه دیگر نیروهای ملی مبارزه کرده است. در دوران پس از ۳۰ تیر ماه و سپس درسالهای اخیر که رژیم کودتا در ایران مسلط است حزب دمی از این تلاش غفلت نورزیده است و با تمام قوا برای نیل به اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک که مهمترین ضامن پیروزی جنبش است مبارزه کرده و میکند. تردیدی نیست که در برخی موارد سیاست حزب ما در این زمینه از بکرشته خطاهای سکتاریستی، از جمله در دوران جنبش ملی شدن نفت مصون نماند ولی آنچه که شاخص این سیاست است کوشش حزب در راه تجمع نیروها برضد

دشمن مشترك است.

۹ - حزب توده ایران به وسیع ترین فعالیتها برای متشکل کردن کارگران دست زد. اعضاء حزب ما در پیدایش سازمانهای معتبر کارگری و سندیکائی مانند «شورای متحده کارگران و زحمتکشان» و «شورای مؤتلفه مرکزی کارگران» که دهها و صدها هزار کارگر و رسته های مختلف را در سندیکاهای متحد میکردند نقش درجه اول و رهنمون بازی کرده اند. این سازمان های کارگری برای اثبات شخصیت و موجودیت طبقه کارگر ایران و دفاع از حقوق حقه وی مبارزات وسیع دامنه داری کرده است. به کامیابیهائی رسیدند که خود تاریخی مختار آرزو دارد. مبارزات حزب ما و شورای متحده در راه تنظیم و تصویب قانون کار و بسیج مبارزات مطالباتی و اعتصابی و سرابای فعالیت حزب ما بدفاع از منافع طبقه کارگر وی را بحق در نزد طبقه کارگر ایران محبوب و محترم ساخته است.

۱۰ - حزب ما در راه تحقق یک برنامه ارضی مترقی، برای تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان بی زمین و کم زمین، برای افشاء عوامفریبیهی هیئت حاکمه در زمینه اصلاحات ارضی مبارزه کرده است. حزب ما بفعالیت وسیع برای متشکل کردن دهقانان دست زد و توانست در این راه بارها کامیابیهی شایانی کسب کند و دهها و صدها هزار روستائی را در اتحادیه های دهقانی متشکل گرداند و دهقان ایرانی را از خواب دیرینه بزرگیزد و از تسلیم بسرنوشت رقت بار و جور رستم ارباب و ژاندارم و هیئت حاکمه دور سازد و بسوی نبرد مطالباتی و اجتماعی سوق دهد. با همه ارزندگی تلاشهای حزب ما در این راه، این تلاش بحد کافی نبود و کار حزب در این رهگنر دارای نارسائیهای فراوان بوده و هست.

۱۱ - حزب توده ایران نخستین حزب انقلابی در کشور ماست که دست بفعالیتی وسیع و پیگیر برای متشکل کردن افراد ارتش ایران زد و در راه متشکل کردن افسران و درجه داران بموقفیتهای شایان رسید. «سازمان نظامی حزب توده ایران» از جهت تشکل و تعداد اعضاء خود در میان سازمانهای نظامی انقلابی در کشور های سرمایه داری کم نظیر بود. این سازمان که از میان صفوف آن قهرمانانی بنام بیرون آمدند صحیفه های تابناکی را در تاریخ مبارزات مردم ثبت کرده است. نام دهها تن از اعضاء این سازمان که در حوادث و عرصه های مختلف مبارزه چه قبل و چه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شهید شدند در لوحه افتخار بقیه در صفحه ۳

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

ترها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

ابدی تاریخ کشور ما حاکم است. اشایان تصریح است که کار حزب ما در میان افراد ارتش در کنار یک رشته کامیابها با یک سلسله نارسائیهای سازمانی و اشتباهات جدی همراه بوده است.

۱۲ - حزب توده ایران به وسیعترین فعالیت سازمانی و تبلیغی در میان قشرهای گوناگون زنان اعم از کارگر و روشنفکر دست زد و در این زمینه سنن حزب کمونیست ایران را که از بنیادگذاران جنبش رهایی زنان است ادامه داد. حزب توده ایران برای نخستین بار در مجلس چهاردهم طرح حق انتخاب دین و انتخاب شدن زن را عرضه داشت. موفقیت حزب ما در ایجاد یک نهضت بزرگ در میان زنان ایران برای مطالبه حقوق حقه خود قابل ملاحظه بود. فعالیتهای سیاسی، تظاهراتی، مطبوعاتی، اجتماعی زنان که بوسیله حزب رهبری میشد، این بخش عظیم جامعه ایران را بجاهد بیداری، تلاش و تکاپو افکند. حزب کماکان در راه افشای عوامفریبیهای دربار پهلوی که مدعی «نجات» زنان کشور ماست و در راه ارائه مشی صحیح مبارزه صنفی بزنان ایران بیکار نمیکند.

۱۳ - حزب ما طی ربع قرن گذشته کار وسیعی در میان جوانان دانشجو و دانش آموز و روشنفکر و جوانان کارگر و روستائی انجام داد و برای جوانان ایرانی میدان عمل، دورنمای مبارزه و تلاش پدید آورد. جوانان ایران تحت رهبری حزب ما بارها نمونه های درخشان فداکاری و از جان گذشتگی و پایداری در برابر مشکلات از خود نشان دادند. سازمان جوانان توده ایران صفحات روشنی را در تاریخ مبارزات انقلابی جنبش مترقی جوانان ایران نگاشته است. حزب ما برای نخستین بار در ایران مسئله دفاع از کودکان ایرانی را با صراحت و قوت تمام مطرح ساخت و برای تأمین کودکی سعادت مند دست بمبارزه زد.

۱۴ - فعالیت حزب ما در میان روشنفکران کشور از فصول درخشان و ارزنده فعالیت اوست. حزب ما یکعده روشنفکران انقلابی طراز نوین در دامن خویش پرورده است که از روحیه های درویشانه و تسلیم طلبانه جدائی از مردم و زندگی، دمساز شدن با محیط و آستان بوسی در قبال قدرت موجود بدورند و بزنگی برخوردی مثبت و بیکار جوانانه دارند، ب مردم و میهن عشق میورزند. حزب ما بحق بدین نکته می بالد که در ایجاد یک رستاخیز روحی و معنوی در ایران سهمی اشایان داشته است و تکان مؤثری در زندگی علمی و هنری کشور ایجاد کرده است. مبارزات سیاسی و مسلکی حزب، فعالیت فداکارانه افراد حزب جامعه را از رخوت و تسلیم بیرون آورده و در جاده تلاش و طلب

سیر داده است.

۱۵ - حزب ما در راه تأمین برابری حقوق و دفاع از حقوق خلقها و اقلیتهای ملی کشور ما مبارزات وسیع کرده است. بهترین نمودار صداقت حزب ما بسیاست ملی لنینی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش دفاع پدیریغ حزب ما از جنبش دموکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان بود که خواستار حقوق خویش در چارچوب حفظ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی وطن ما ایران بوده و هستند. یکی از اقدامات مهم حزب ما احیاء وحدت رهبری و سازمانی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۳۹ برای اجراء اصل لنینی ضرورت وحدت سازمانی و رهبری کلبه سازمانهای کارگری در کشور کثیرالمله است. موافق تصمیمات متخذه در کنفرانس وحدت، سازمان فرقه دموکرات آذربایجان بعنوان سازمان ایالتی وارد در ترکیب سازمانی حزب واحد طبقه کارگر ایران حزب توده ایران گردید. حزب توده ایران و مبارزان آن نه تنها در شرایط کار عینی، بلکه در شرایط کار مخفی در دادگاه در بسته نظامی بارها از حقوق حقه خلقهای ایران دفاع کرده اند. این روش موجب آن شده است که خلقها و اقلیت های ملی در ایران، حزب توده ایران را بحق مدافع بیکار منافع خود میسرند و بوی اعتماد دارند و در جریان مبارزات حزب شرکت فعال و فداکاری های فراوان کرده اند. حزب در این مشی پیوسته با دو انحراف شوینسم و ناسیونالیسم محلی که هر دو برای جنبش انقلابی ما زیان بخشند مبارزه کرده است و خواهد کرد.

۱۶ - فعالیت مطبوعاتی و تبلیغاتی حزب ما از صفحات درخشنده تاریخ مبارزات اوست. جراید و مجلاتی مانند «سیاست»، «رهبر»، «مردم»، «رزم»، «دینا»، «بسیوی آینده»، «صبح امید»، «آذربایجان» و یکسلسله جراید و مجلات دیگر که ناشر افکار سازمان مرکزی حزب و سازمان جوانان توده ایران بوده اند و یا نقش ناشر افکار را ایفاء کرده اند همراه با صداهای روزنامه و مجله و کتب و رسالات دیگری که در تهران و شهرستانها و خارج از کشور از طرف حزب ما نشر یافته، تألیف و یا ترجمه شده است و نیز رادیوی «یک ایران» تأثیر معنوی ژرفی در جامعه ایران باقی گذاشته است. فعالیت مطبوعاتی و تبلیغاتی حزب حربه نیرومند وی برای ترویج جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و مشی حزب و بسیج فکری و معنوی توده ها بوده است. حزب بحق باین فعالیت دامنه دار، بیکار و مؤثر مطبوعات و سازمانهای تبلیغاتی خویش میبالد.

۱۷ - یکی از مختصات حزب ما در فعالیت ۲۵ سالگیست دست زدن بانواع اشکال فعالیت های عینی و مخفی است. حزب ما با

مبارزات خود توانست در مجلس و دولت شرکت کند و از تریبون مجلس و امکانات دولتی برای مدافعه از منافع مردم استفاده نماید و از این آزمون سربلند بیرون آید. حزب ما تنها مدت هفت سال بفعالیت عینی پرداخت. پس از توطئه بهمن ۱۳۲۷ که حزب توده ایران برخلاف قانون «منحله» اعلام شد در شرایط جدید بسرعت تجدیدحیات کرد و سازمان مخفی نیرومندی بوجود آورد و با مهارت - کار مخفی و عینی را در آمیخت. سازمانهای عینی متعددی در سراسر کشور به بازگ حزب ما گوش فرا میدادند و براه او میرفتند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب نهضت ملی مردم ایران حزب ما وارد دوران کار عمیق مخفی شد. بخشی از فعالیت حزب بمهاجرت انتقال یافت. حزب با تلفیق کار در خارج و داخل کشور توانست موجودیت خود را در یکی از دورانیهای بسیار دشوار حملات هار ارتجاع محفوظ دارد. فعالیت حزب ما در هیچ دورانی متوقف نماند و تعطیل نشد. حزب ما نخستین حزبی بود که پس از استقرار رژیم کودتا بار دیگر پرچم مبارزه را برافراشت، یخ سکوت را شکاند و قشرهای مختلف را بعرضه مبارزه کشاند. حزب از امکانات کار در خارج استفاده وسیعی برای معرفی چهره درخیمانه رژیم کودتا نمود و کوشید تا آوای حزب را در کلیه مجامع بین المللی پرطنین نگاهدارد.

۱۸ - حزب در مشی خود در مسائل جهانی پیوسته مدافع صدیق صلح و همزیستی مسالمت آمیز، خلع سلاح عمومی، تخفیف و خاتم بین المللی، دوستی و همکاری خلقهای جهان، پشتیبان جنبشهای انقلابی و رهایی بخش ملی، دوستی ایران و کشورهای سوسیالیستی و از آنجمله و بویژه دوستی ایران با همسایه شمالی ما اتحاد شوروی، مدافع اصل همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، مبارزه بیکار علیه امپریالیسم، استعمار نو و کهن بوده است و خواهد بود. دشمنان طبقاتی و محافل مختلف، ای چه بسا کوشیدند سیاست واقع بینانه، اصولی و انقلابی حزب را در مسائل جهانی، بویژه انترناسیونالیسم وی را مورد سوء تعبیر و مغالطه قرار دهند ولی سیر حوادث پیوسته صحت اصولی و عملی این سیاست را که از منافع و مصالح مردم ایران و استقلال و حاکمیت میهن ما برمیخیزد ثابت کرده است. حزب ما باصل انترناسیونالیسم پرولتاری وفادار است و با هر گونه ناسیونالیسم بورژوائی مبارزه کرده و خواهد کرد. حزب میهن پرستی عمیق خود یعنی ایمان بیکران خود را به مصالح حیاتی اکثریت عظیم مردم ایران، حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی و آزادی و ترقی کشور بارها و درعرضه کردار

به ثبوت رسانده است.

۱۹ - در جریان مبارزات ۲۵ ساله حزب عده کثیری از رفقای حزبی ما در شهر و ده، خواه از طریق دارو تیرباران، خواه در زیر شکنجه های مرگبار، خواه در اثر تیراندازی وحشیانه مأمورین مسلح رژیم به تظاهرات و اجتماعات، خواه در نتیجه ترور های غدارانه انفرادی شربت شهادت نوشیدند. عده کثیری از رفقای حزبی ما در تهران و شهرستانها بزندندان افتادند و سالیان دراز مصائب زندان و عواقب ناشی از آنرا با سربلندی و روح مقاومت قهرمانانه تحمل کردند و میکشند. عده کثیری از رفقای حزبی ما در نتیجه فعالیت سیاسی خود یا با انواع محرومیتها بیکاری، فقر، گرسنگی، درببری روبرو شدند و روبرو هستند و یا ناچار بجلاء وطن گردیدند و اینک سالیان درازی است که از دیدار میهن، از فعالیت مستقیم در میان خلق و خانواده خود محرومند. حزب ما بخاطر مقدس شهیدان و نام نامی آنها افتخار میکند و بشام اعضا، مقاوم و وفادار خویش میبالد.

در جریان این مبارزه عده ای از افراد حزبی در اثر چرخش سریع حوادث وحدت هجوم دشمن تعادل روحی خود را از دست دادند و دچار ضعفها، تزلزلها و نوساناتی گردیدند. رفتار حزب نسبت باین افراد بستگی بعمل آنها دارد. حزب ما پیوسته برای کسانی که بخواهند در جاده اصلاح خویش گام گذارند و کماکان خدمتگذار خلق و طبقه کارگر بمانند فرصت و امکان ایجاد میکند.

در جریان این مبارزه ۲۵ ساله عده ای از افراد حزب طاقت دشواریها را نیاورده براه تسلیم و ارتداد و خیانت بحزب و خلق گام گذاشتند و برخی از آنها بخادمین ارتجاع و استعمار مبدل شدند. حزب و نهضت این عناصر خائن را مظلوم میشمرد.

۲۰ - تردیدی نیست که تاریخ حزب ما که بطور عمده تاریخ پرافتخار یک نبرد درخشان انقلابی علیه دشمنان زنگارنگ و انواع انحرافات و جریانات انحرافی است چنانکه بدیهی است از اشتباهات و کژروپها و لغزشها و غفلتها مصون نمانده است. بویژه حزب در جریان جنبش ملی کردن صنعت نفت و حکومت ملی دکتر مصدق دچار اشتباهات جدی سکتاریستی و نیز در جریان کودتای خائنه ۲۸ مرداد شاه - زاهدی دچار غفلت و عدم تحرك شد و فرصتهای گرانبهائی را از دست داد. اینک چند سال است که تسلط ارتجاع هار، تسلط امپریالیسم حزب را وارد یک دوران فوق العاده دشوار حیات خویش ساخته است. بر این دشواریها پیدایش اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بسی افزوده است. بودن حزب در اختفاء، مشکلات

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تازه ها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

متعدد سازمانی حزب، فعالیتهای تفرقه جویانه و انشعابگرانه در نهضت جهانی و کارگری، همه و همه حزب را با یکی از دورانهای پیچیده و دشوار زندگی روبرو ساخته است. ولی حزب با همه این دشواریها باور دارد که خواهد توانست با کار و کوشش منظم و خونسرد و

پیگیر از این دشواری بیرون آید و باردیگر نقش درجه اول خود را در تاریخ کشور ایفاء کند. شرط اساسی این کار آنست که اولاً حزب بدرستی بداند وظایف سیاسی و سازمانیش چیست و ثانیاً با تمام قوا برای تحقق این وظایف اقدام کند.

۲ - وضع کشور و وظایف مبرم سیاسی و سازمانی حزب ما

(۲۱) از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که بدست شاه وزاهدی و با کمک و مداخله مستقیم امپریالیست های آمریکا و انگلیس و سرویسهای جاسوسی آنها برای ازمیان بردن نتیجه مبارزات جنبش ملی و ساقط کردن حکومت د کتر مصدق انجام گرفت در ایران رژیم ضدملی و ضددموکراتیک حکمرانست که به « رژیم کودتا » شهرت یافته است.

مانده، کشور فقر و بیماری و جهالت عمومی باقی مانده است و بیش از پیش از کاروان تمدن واپس میماند. رژیم کودتا با تمام قوا ایران را در جاده رشد ناسالم و مضر سرمایه داری وابسته بامپریالیسم سیر میدهد. ایران کشوری است که در آن سیاست استعمار نو با تمام مختصات خود تجلی کرده است.

از آنجا که مضمون اساسی پروسه تحولی که در ایران میگردد عبارتست از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی، لذا با توجه باین تحول باید گفت که حکومت کودتا در مرحله کنونی از جهت ماهیت طبقاتی خود عبارتست از اتحاد سرمایه داران بزرگ و وابسته بامپریالیسم (کومپرادورها) و بطور کلی سرمایه داران بزرگ باملاکان و قشر فوقانی (الیگارشی) مؤسسات لشکری و کشوری و بر رأس آن شاه که قدرت مطلقه را در دست خود متمرکز ساخته است. وسایل عمده رژیم برای حفظ و تأمین تسلط خود عبارتست از تکیه به امپریالیسم و تبعیت از آن، توسل به ترور و اختناق و خودسری رژیم در سالهای اخیر دست به رفرورها و عقب نشینیها، مانورها و عوامفریبی های اجتماعی زده است تا وضع را بسود خود و حامیان امپریالیستی خود تثبیت کند و تحول انقلابی کشور را تا آن حد که میتواند بعقب اندازد.

(۲۳) رژیم کودتا سیاست رفرورم را تحت فشار عوامل داخلی و خارجی، تحت فشار وضع امروزی ایران و جهان در پیش گرفته است. از سوئی تراکم تناقضات در درون جامعه، وجود مناسبات ارباب - رعیتی که رشد آتی نیروهای مولد را ترمز میکند، ناخرسندی شدید توده ها، فشار نیرومند نیرو های مترقی و در پیشایش آنها حزب توده ایران، و از سوی دیگر تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و نقش و تأثیر روز افزون کشورهای سوسیالیستی و ملی و جنبشهای انقلابی و رهائی بخش و نیز این امر که امپریالیستها برای دفاع از سیستم سرمایه داری جهانی، برای حفظ عرصه نفوذ و منافع تاراجگرانه خویش، برای تحقق یک سیاست نو استعماری مایل بودند و هستند که در ایران اقداماتی انجام گیرد که بتواند انقلاب را به عقب اندازد و وضع را بسود آنها و رژیم دست نشاندگان تثبیت کند - هیئت حاکمه ایران و بر رأس آن شاه را به قبول سیاست رفرورم و عقب نشینی واداشته است. ما برانیم که رفرورمهای انجام شده (که اصلاحات ارضی مهمترین آنهاست) بعلت سمت تاریخی آنها که در راه بسط مناسبات سرمایه داریست، بعلت هدفهای گردانندگان آنها که برای تثبیت وضع بسود هیئت حاکمه، استبداد سلطنتی و امپریالیسم است، از جهت نارسا و نیم بند و سطحی بود نشان و از این جهت که در عمل همان مواعید اولیه نیز زیر پا گذاشته میشود و نوسانات و عقب نشینی های متعددی روی میدهد، قادر نیست مسائل و معضلات و تناقضات جامعه ما را حل کند. ایران نیازمند تحول عمیقی است که تنها طبقه کارگر در اتحاد با نیرو های ملی و دموکراتیک جامعه قادر است آنرا بوجود آورد نه نیرو های ارتجاعی و دست نشاندگان استعمار. حزب ما حل تضادهای ما و جامعه ایران و تأمین استقلال و آزادی و رفاه و ترقی برای اکثریت مطلق مردم کشور

را نه در رفرورمهای سطحی بلکه در اجراء يك تحول انقلابی میداند که نظام اجتماعی را در مپهن ما دگرگون سازد. بدون يك چنین تحول انقلابی، ایران نمیتواند به واپس ماندگی دیرینه و روز افزون خود خاتمه دهد، بسرعت صنعتی، غنی و نیرومند گردد و نقش شایسته خود را در تمدن و تاریخ ایفاء نماید.

ولی در عین حال حزب ما بر آنست که چون این رفرورمها خود ثمره فرعی مبارزه توده ها است و نمودار عقب نشینی ناگزیر رژیم است باید در راه تحقق و بسط آنها مبارزه کرد و هیئت حاکمه را به عقب نشینی های تازه تری وادار ساخت. این امر بمعنای تصرف موضعی برای رو آوردن بموضع تازه دیگر، بمعنای استفاده از کلیه وسائل برای بسط و تعمیق مبارزات طبقاتی در جهت هدفهای انقلابی است.

(۲۴) در سالهای اخیر رژیم دست به بسط روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای سوسیالیستی زده است. تغییر تناسب قوا در عرصه جهانی، این واقعیت که سوسیالیسم بیش از پیش بعامل تعیین کننده در سیر تکامل بشری مبدل میگردد، این واقعیت که امپریالیسم بیش از پیش روبضعف میروید و بیش از پیش تسلط خود را بر سیر امور از دست میدهد و نیز این واقعیت که مردم ایران پیوسته خواستار بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی بوده اند و چنین بهبودی را هم از جهت سیاسی و هم از جهت اقتصادی میطلبیده اند نمیتوانست در سیاست رژیم اثرات خود را باقی نگذارد. رژیم علیرغم خواستها و خصالت خود، ناگزیر است این وضع را بحساب گذارد لذا حزب ما بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی را بشا به محسوستر شدن بیش از پیش قدرت سوسیالیسم و ضعف امپریالیسم و عقب نشینی رژیم در مقابل یکی از خواستهای مهم مردم تلقی کرد و مورد حمایت قرار داد.

روشن است که رژیم خواهد کوشید تا از این کیفیت برای تثبیت وضع خود استفاده کند ولی علیرغم تمایل و تلاش رژیم این بدیده ای است بطور عینی عمیقاً در جهت منافع مردم ایران و تکامل جامعه. حزب ما بر آنست که باید بهبود نسبی روابط با کشورهای سوسیالیستی که سرانجام به تنگتر شدن پایگاه امپریالیسم و ارتجاع در کشور ما منجر خواهد شد مورد حمایت کلیه نیرو های مترقی قرار گیرد و در راه بسط بیشتر و تعمیق آن کوشش شود. ولی این امر بهیچوجه نمیتواند مانع ادامه مبارزه مردم بر ضد رژیم موجود و برای نیل به هدفهای انقلابی باشد.

(۲۵) شایان تصریح است که علیرغم برخی تغییرات و عقب نشینی های ولو جزئی و سطحی در سیاست اقتصادی و سیاست خارجی،

رژیم کودتا نه فقط در مشی ضد دموکراتیک خود کمترین تخفیفی نمیدهد بلکه روش استبداد سلطنتی و کیش شاهپرستی و کنترل پلیسی اجتماع و سرکوب هر گونه آزادی و حقوق دموکراتیک و تعقیب و فشار و آزار و شکنجه و اعدام و کشتار مردم را حفظ میکند. این روش شکاف عمیق بین مردم و رژیم را شدید کرده و از عوامل مؤثر و مهم ناخرسندی و نفرت عمیق مردم از رژیم است.

(۲۶) هدف غنایی حزب ما استقرار نظام سوسیالیستی است ولی در مرحله کنونی انقلاب در کشور ما که هنوز مردم تضاد خود را با امپریالیسم و تکیه گاه اجتماعی آنها در جامعه ما و با بقایای مناسبات ارباب - رعیتی و دیگر بقایای قرون وسطائی حل نکرده اند، انقلاب کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک است.

در این انقلاب اکثریت مطلق افراد جامعه: کارگران، دهقانان، خورده بورژوازی شهرها، روشنفکران میهن پرست، بورژوازی ملی و دیگر قشرها و عناصر ملی و مترقی و دموکراتیک جامعه ذینفعدند. هدف این مرحله انقلاب استقرار حکومتی است ملی و دموکراتیک. از آنجا که هم طبقه کارگر، هم بورژوازی ملی و هم خورده بورژوازی در این انقلاب شریک و ذینفعدند، هر يك میکوشند آنرا تحت شعار های خود تحقق بخشند و در مسیر مورد تمایل خود بیافکنند و سرگردگی خود را در این انقلاب بر دیگر نیروهای انقلابی تأمین نمایند. لذا در انقلاب مسئله سرگردگی، این مسئله که انقلاب با چه هدف نهائی و چه گرایش تاریخی انجام میگردد، يك مسئله حاد و مرکزی است. حزب ما بشا به حزب طراز نوین طبقه کارگر و طبقه و رسالت تاریخی خود میداند که در راه تأمین سرگردگی طبقه کارگر در این انقلاب با تمام قوا بکوشد یعنی قشر های زحمتکش شهر و ده، خورده بورژوازی و روشنفکران و دیگر عناصر ملی و دموکراتیک را بدنبال رهبری سیاسی و عملی طبقه کارگر سوق دهد ولی روشن است که مسئله تأمین سرگردگی تنها به اراده حزب طبقه کارگر منوط نیست، بلکه به تجربه توده ها و عوامل مساعد دیگر نیز منوط است.

در صورت تأمین سرگردگی طبقه کارگر دولتی که از این مرحله انقلاب ناشی میشود بر حسب ماهیت خود دیکتاتوری پرولتاریاست و از جهت شکل خود جمهوری دموکراتیک توده ای. این دولت قادر است با اتحاد با کلیه نیروهای دموکراتیک انقلاب را تا مرحله بعدی آن یعنی تا مرحله سوسیالیستی اوج دهد. در صورتیکه بلعلی و علیرغم مساعی حزب طبقه

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

تازه‌ها، رهنمودها و شعارهای بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

کارگر سرکردگی این طبقه در انقلاب دموکراتیک و ملی تأمین نگردد دولتی که از این مرحله ناشی میشود در بهترین حالات خود از جهت ماهیت ائتلاف کلبه نیروهای ملی و دموکراتیک و از جهت شکل یک دولت دموکراسی ملی است.

تردیدی نیست که درجه دموکراسی و شکل این دولت به عوامل مختلف مانند درجه نفوذ طبقه کارگر در انقلاب، بیداری نیروهای ملی و دموکراتیک، نقش خورده بورژوازی در انقلاب، شرایط داخلی و خارجی و غیره و غیره بستگی دارد.

حزب توده ایران در عین کوشش برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب همکاری خود را با دیگر نیروهای ملی و دموکراتیک باین شرط مشروط نمیسازد. حزب ما بر آنست که اکنون کلبه نیروهای ملی و دموکراتیک میتوانند در گورد شعار استقرار یک حکومت ائتلافی ملی و دموکراتیک که بتواند همه نیروهای مترقی و تحول طلب جامعه را تحت رهبری یک جبهه واحد برای اجراء وظایف عمده انقلاب متحد سازد گرد آید.

۲۷ - دولت دموکراتیک و ملی برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، اجراء قانون ملی کردن نفت، کوتاه کردن دست سرمایه غارتگر امپریالیستی و عمال کمپرادور آن از صنایع کشور، اتخاذ سیاست بیطرفی، تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک و کامل مناسبات اربابی - رعیتی و اجراء اصلاحات ارضی رادیکال، بسط و تقویت بخش دولتی و تأمین کنترل دموکراتیک این بخش، اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری، صنعتی کردن کشور، ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان و تأمین و ترقی همه جانبه و تأمین حقوق حقه خلقها و اقلیتهای ملی در چارچوب میهن واحد مبارزه خواهد کرد.

میهن ما کشوری است از لحاظ طبیعی بسیار غنی، دارای امکانات شگرف رشد، دارای گذشته پرافتخار و الهام بخش، دارای مردمی پر استعداد و تشنه ترقی. اگر در ایران یک حکومت ملی و دموکراتیک استقرار یابد و بدرستی منابع انسانی و طبیعی را تجهیز کند و جامعه را با اسلوب علمی و در جهت ترقی رهبری نماید، ایران قادر است طی چند دهه بعقب مانده مازمن خود خاتمه دهد.

۲۸ - وسایل اساسی نیل به پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک عبارتست از تحکیم سازمان حزب در کشور، تحکیم وحدت سازمانی و ایدئولوژیک صفوف حزب انقلابی طبقه کارگر و تأمین مشی صحیح برای آن، تأمین اتحاد طبقات و قشرهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک جامعه و در درجه اول کارگران

و دهقانان بعنوان استخوان بندی جبهه واحد نیروهای ملی و دموکراتیک، افشای گری بی امان علیه رژیم موجود و بسج وسیع توده های مردم علیه آن و تدارک همه جانبه برای اجراء انقلاب.

۲۹ - محتوی یک تحول انقلابی در کشور ما در مرحله کنونی عبارتست از منتقل شدن قدرت حا که از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی و وابسته بامپریالیسم بدست طبقات زحمتکش و دیگر قشرهای ملی و دموکراتیک. یک چنین تحول انقلابی نمیتواند جز از راه اعمال قدرت مردم علیه ارتجاع، جز از طریق تحمیل انقلابی انجام گیرد. این تحول انقلابی که در هر حال تحمیل ازاده مردم علیه دشمنان مردم است بر حسب شرایط میتواند بصورت مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز (قیام مسلحانه و جنگهای انقلابی و غیره) انجام پذیرد. تردیدی نیست که مردم ایران و حزب ما خواستار حل مسالمت آمیز تضاد های جامعه و تحقق مسالمت آمیز انقلابند، ولی هیئت حا که ایران با اتخاذ سیاست خشن ترور و اختناق و محو کامل آزادیهای دموکراتیک و عدم تحمل کمترین اپوزیسیون علیه رژیم و آکنش خشن و خونین در مقابل هر گونه مخالفت، خود بدست خود امکان تحول مسالمت آمیز را از میان برده است. برای آنکه انقلاب ایران روی دهد تنها عامل ذهنی وجود حزب طبقه کارگر و دیگر سازمان های انقلابی و اتحاد نیروهای انقلابی کافی نیست، بلکه نضج شرایط عینی انقلاب و پیدایش وضع انقلابی در جامعه ضرور است. حزب ما مبارزه، افشای گری و سیاست صحیح استفاده از تضادها میتواند پیدایش وضع انقلابی را در جامعه تسریع کند و به نضج شرایط آن کمک نماید. وظیفه حزب تدارک فعال انقلاب است.

۳۰ - شرط عمده و اساسی کامیابی حزب در مبارزه مقدش خود آنست که وی بتواند سازمان خود را بر پایه اصول لنینی در کشور تحکیم کند. تعیین و تصریح مشی درست سازمانی حزب در شرایط ترور و اختناق برای روشن کردن وظایف مشخص حزب در این زمینه دارای اهمیت فراوانی است. اصول عمده رهنا در مورد یک سیاست صحیح سازمانی در شرایط کنونی عبارتست از: مراعات عدم تمرکز سازمانی در کشور در عین حفظ رهبری متمرکز، تلفیق کار خارج و داخل کشور، تلفیق کار مخفی و علنی، ترجیح کیفیت بر کمیت. مسئله تحکیم سازمان حزبی متحد و منضبط در درون کشور مسئله ایست دشوار که تنها در صورت احتراز از کار عجولانه، در صورت انتخاب صحیح افراد متناسب و مراعات کامل حرکت گام بگام ممکن است. بدون وجود حزب لایق و محکم

استفاده از شرایط عینی کشور برای بسط و پیروزی جنبش انقلابی ممکن نیست. بهمین جهت مسئله حزب و تحکیم سازمان حزبی در کشور کماکان حادثترین و مرکزی ترین مسئله است و بدون حل این مسئله، حل مسائل دیگر ممکن نیست.

۳۱ - حزب علاوه بر مبارزه برای نیل به هدفهای عمده انقلاب برای یک سلسله هدفهای تاکتیکی و یک سلسله شعارهای مبرم که میتواند مبارزه اش را در جهت استراتژیک تسهیل نماید، مبارزه میکند. در شرایط کنونی مبارزه در راه تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک عمده ترین محتوی مبارزات حزب ما را تشکیل میدهد. شعارهای مبرم حزب ما در شرایط کنونی عبارتند از: مبارزه در راه علنی شدن کلبه احزاب ملی و دموکراتیک، مبارزه برای عفو عمومی زندانیان و تبعیدیان سیاسی، تأمین امکان بازگشت کلبه پناهندگان سیاسی از خارج ایران، مبارزه علیه ارجاع امور سیاسی بداد گاه غیر صالح نظامی، مبارزه برای بسط فعالیتها و آزادیهای سندیکائی، مبارزه برای اجراء بیکر قوانین اصلاحی و رفورمها، مبارزه برای خروج ایران از بیعنان ستو و قرار داد دو جانبه و الغاء قانون تنگین کاپیتولاسیون و اتخاذ سیاست بیطرفی، مبارزه برای بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و ملی، مبارزه برای تأمین حقوق ایران در صنایع نفت و اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، مبارزه برای دفاع و بسط بخش دولتی، مبارزه در راه حقوق حقه اجتماعی و مدنی و فردی زنان، مبارزه برای تأمین همبستگی ایران و جنبشهای ملی و مترقی و از آنجمله جنبش مترقی ملی کشورهای عربی، مبارزه در راه تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و تأمین حقوق فرهنگی خلقها در ایران.

حزب ما از کلبه اختلافات درونی هیئت حا که، از اختلافات هیئت حا که با این یا آن امپریالیسم، از کلبه امکانات مشخص مبارزه برای تجهیز مردم، افشای ارتجاع و استعمار، بعقب نشینی وادار کردن رژیم، مساعد تر کردن زمینه رشد انقلاب استفاده میکند.

حزب کلبه مساعی و مجاهداتی را که از طرف گروههای مترقی و دیگر نیروهای ضد رژیم انجام میگردد و بخیر و صلاح عمومی است مورد حمایت معنوی و عملی قرار میدهد تا بدین ترتیب بر امکانات تحول جامعه بیافزاید و از کلبه این امکانات استفاده کند.

۳۲ - در تحلیل دوران ما و تعیین مشی استراتژیک و تاکتیکی جنبش انقلابی جهان حزب بر آنست که دوران ما دوران انتقال جامعه بشری از سرمایه داری بسوسیالیسم، دوران مبارزه این دو سیستم اجتماعی متضاد، دوران انقلابهای اجتماعی و ملی علیه سرمایه

داری و امپریالیسم، دوران فروریختن امپریالیسم و برافزادن سیستم مستعمراتی، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در سراسر جهان، دوران رشد پرتوان تحریک توده های مردم، دوران انقلاب عظیم علم و فن است و از این جهت دوران ما در تاریخ بشریت از آغاز تا امروز اهمیت ویژه دارد. وظیفه نیروهای مترقی و بر رأس آنها احزاب انقلابی مارکسیست - لنینیست عبارتست از تسریع آگاهانه پروسه تحول انقلابی جهان با توسل بانحاء اشکال و شیوه های مبارزه. حزب مبارزه با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم متجاوز امریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفاء میکند و پشتیبانی بیدریغ و همه جانبه از نهضت های انقلابی و رهایی بخش و مترقی و نبرد با کلبه نیروهای ارتجاعی را وظیفه اصلی و مقدس خود میبشرد. ما بر آنیم که تسریع پروسه انقلابی متناقض با مبارزه بشریت در راه حفظ صلح جهانی و علیه جنگ هسته ای - موشکی نیست و نیز بر عکس مبارزه ضرور در راه حفظ صلح جهانی منافاتی با مبارزه انقلابی ندارد. بهمین جهت حزب اصل همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، اصل حل مسائل متنازع بین المللی از طریق مذاکره در شرایط کنونی تکامل جامعه بشری کاملاً درست میدانند. همزیستی مسالمت آمیز بمعنای همزیستی بهره کشان و بهره دهان، ستمگران و ستمکشان، همزیستی اندیشه های انقلابی و ضد انقلابی، بمعنای حفظ وضع موجود، بمعنای احتراز از انقلاب، بمعنای پاسیف ماندن در مقابل وظایف انقلابی نیست و نمیتواند باشد. همزیستی مسالمت آمیز شکلی است از مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی. همزیستی مسالمت آمیز فقط شاخص روابط بین کشورهای دارای سیستمهای اجتماعی و اقتصادی مختلف است. شاخص روابط مابین دولتهای سوسیالیستی، وحدت و همبستگی و تعاون برادرانه بر پایه انترناسیونالیسم پرولتاری است، شاخص روابط مابین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ملی تعاون متقابل در مبارزه علیه دشمن مشترک - امپریالیسم است. بر این اساس حزب روشهای ماجراجویانه و «ماوراء انقلابی» رهبران حزب کمونیست چین را در استراتژی و تاکتیک جهانی و روش تفرقه افکنانه و انشعابگرانه آنها را در این نهضت محکوم میکند و وفاداری خود را بیکار دیگر به تصمیمات جلسات مشاوره ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ اعلام میدارد و برخورد های دو جانبه و چند جانبه و تشکیل جلسات مشورتی احزاب برادر را بهترین راه تعیین مشی استراتژیک و تاکتیک جنبش انقلابی و حل اختلافات میبشرد

بقیه از صفحه ۵

حزب توده ایران و رسالت تاریخی وی

ترها، رهنمودها و شعارهای بودروی کمیته مرکزی

حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب

۳ - درودها و رهنمودها

۳۳ - درود پر شور بهمه اعضاء حزب توده ایران که در داخل و خارج از کشور در راه آرمانهای حزب مبارزه میکنند. رفقای حزبی! جشن بیست و پنجمین سال حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را با سربلندی بر گزار کنید. بسوابق و دستاوردهای درخشان حزب خود افتخار کنید. عضویت در حزب توده ایران را بهترین ثمره زندگی خود بشمرید. سنتهای انقلابی حزب توده ایران را حفظ کنید و در هر مورد از آن الهام بگیرید. تاریخ مبارزات غنی و سرشار حزب توده ایران را عمیقاً بیاموزید. در هر جا که هستید و با هر وسیله‌ای که دارید با امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا، با رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی مبارزه کنید. جنایات و خبیثتهای استبداد سلطنتی و عمال آنرا بر ملا سازید.

۳۴ - رفقای حزبی! بکوشید تا جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم را هر چه زودتر فرا بگیرید. از اصول این جهان بینی علمی و انقلابی در برابر

انحراف چپ و راست، در برابر انحراف رفرمیستی و آواتوریستی و رویزیونیسم چپ و راست دفاع کنید. مین پرستی را با اترناسیونالیسم پرولتری در آمیزید. موازین حزبی را مراعات کنید زیرا بدون آن حزب قدرت بیگانه جوئی خود را از دست میدهد. وحدت و انضباط حزب خود را تقویت کنید. هشیار باشید در دام فریب دشمنان حزب نفاقید. اسرار حزب را نگاه دارید. از کجنگاوی زبان آور که با مرسیت و امنیت حزبی زبان برساند پرهیزید. همبستگی حزبی را با جاننشین اختلافهای کوتاه نظرانة کنید. با تفرقه افکنان در درون حزب و نهضت مبارزه ننمائید. با جریان اشعابی تازه در چار چوب اصول مبارزه کنید.

۳۵ - رفقای حزبی! از کلیه امکانات فعالیت قانونی و علنی استفاده کنید. در سازمان های توده‌ای موجود ولورهبی آن در دست عناصر ارتجاعی باشد بر حسب حرفه و صنف و امکان خود شرکت ورزید و بکوشید تا هم صنفان خود را هر چه بیشتر وارد این سازمانها سازید و این سازمان ها را هر چه بیشتر بحربه مبارزه در برهه خواستهای حقه صنف خود مبدل کنید. در هر کجا که سازمان های حرفه‌ای و صنفی نیست از کلیه وسائل قانونی برای ایجاد آنها استفاده کنید. در فعالیتهای سیاسی توده‌ای و حرفه‌ای همیشه بنقاط نظر مشترک تکیه کنید و از آنچه که موجب تفرقه و نفاق است بسود منافع اصولی عمده تر پرهیزید. در کلیه مبارزات سیاسی و اقتصادی مردم بنا بموقعیت و مقام خود شرکت ورزید و بکوشید تا این مبارزات علیه امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک

سوق داده شود. بکار در روستا، به استفاده از جنبشهای خود بخودی دهقانی، بکشادن دهقانان بسوی مبارزه سیاسی توجه فراوان معطوف دارید. ۳۶ - رفقای حزبی! در هر جا که هستید شعله مبارزه را فروزان نگاه دارید. بخاتواده شهیدان و زندانیان سیاسی کمک رسانید. مبارزان تحت تعقیب پلیس را جا دهید. در راه بخش مطبوعات مترقی بکوشید. رادیوی پیک ایران را بشنویید و مطالب آنرا برای دیگران نقل کنید. نظریات و پیشنهاد های ابتکاری و انتقادی خود را در باره کار تبلیغاتی و رادیویی ما بیان دارید و یا برای ما بفرستید. برای مبارزه با پلیس ابتکارات تازه بیاندیشید. در مبارزات خود حزم و احتیاط را با جسارت و مقاومت بیامیزید. از تسلیم طلبی و از حادته جوئی هر دو پرهیزید. در چنگال پلیس از خود مقاومت و قهرمانی نشان دهید. بخاطره قهرمانان و شهیدان حزب و نهضت وفادار بمانید.

۳۷ - کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و پنجمین سال حزب بهمه ایرانیانی که در راه استقلال و آزادی ایران مبارزه میکنند، بهمه زندانیان و تبعیدیان و بناهدگان سیاسی، به همه کارگران، دهقانان زحمتکش، بهمه دانشجویان مترقی و مبارزان ایرانی، بهمه کارمندان از زن و مرد، بهمه سربازان و درجه داران و افسران، بهمه روحانیون مترقی، بهمه افراد عشایر، بهمه خلفهای ایران که در راه حقوق حقه خود مبارزه میکنند درود میفرستد. مبارزان نهضت رهائی بخش ایران! پرچم پرافتخاری را که قهرمانان و شهیدان نهضت بشما سپرده اند سرفراز نگاه دارید.

۳۸ - مردم ایران! در زیر شعارهای حزب توده ایران متحد شوید، مبارزه حزب مارا تقویت کنید و از آنها بهر وسیله‌ای که میتوانید حمایت نمائید. در هر کجا که هستید و بهر شکلی که قادرید در برابر رژیم موجود پایداری بخرج دهید. در این مبارزه ابتکارات تازه بیاندیشید. با افراد تحت تعقیب و تحت فشار رژیم از هر باره کمک کنید. حزب توده ایران خادم صادق و وفادار شما و منافع شماست. از هر گونه باری بمبارزان حزب ما دریغ نورزید.

۳۹ - نیروهای ملی و دموکراتیک! اتحاد درونی خود و اتحاد بین خود و اتحاد خود را با حزب ما بوجود آورید و تحکیم کنید. هر گونه تفرقه‌ای در میان صفوف نیروهای مترقی ضد رژیم از هر منشائی که باشد بطور عملی و عینی بسود استعمار و ارتجاع است. تفرقه افکنان را افشاء

کنید و عمل آنها را عقیم گذارید. اتحاد نیروها شرط اساسی احراز موفقیت در مبارزه علیه رژیم کودتاست. دست اتحادی را که حزب ما بسوی شما دراز کرده است بفشارید. فرخنده باد جشن بیست و پنجمین سال حزب توده ایران! موفق باد اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک! موفق باد مبارزه پیگیر مردم ایران علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و استبداد سلطنتی! موفق باد اتحاد نیروهای انقلابی و کمونیستی سراسر جهان! پیروز باد اندیشه تاناک مارکسیسم - لنینیسم، اندیشه رهنمای حزب ما!

بقیه از صفحه ۱

ماهنامه مردم در جشن روزنامه

«اومانیت» شرکت کرد

سال این شاهکار های هنری بیننده اروپائی را تحت تأثیر قرار میدهد. پرچم سه رنگ ایران و آرم کوه و چند منظره از بنا های باستانی ایران، منظره زیبایی به غرقه ماهنامه مردم، داده بود. کاتر پستالهای کاوه، دفاع رفیق شهید روزبه بزلبات فرانسه و یاد دشتهای مخبر اومانیت، مادر نرینو، در باره ایران تا آخرین نسخه بفروش رفت. ۲۵۰۰ نفر زیر اوراق همدردی با زندانیان سیاسی ایران را امضاء کردند.

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

خوانندگان عزیز توجه

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو پیک ایران، در ساعات بخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است: رادیو پیک ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه بخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی، گذشتار زبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۷ تا ۷ و ۳۰ دقیقه برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه برنامه فارسی بخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه مییابد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو پیک ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

بقیه از صفحه ۱

در باره

حوادث اخیر چین

جهانی کمونیستی و کارگری به آن با تأسف و تأثر فراوان مینگرند. تظاهرات ضد شوروی در پکن نه فقط در کادر روابط دو کشور سوسیالیستی بلکه حتی در کادر مراعات عادی‌ترین موازین نژاد کتلهای دیپلماتیک مفهوم نیست.

رهبری حزب کمونیست چین کمکهایی مادی بی شائبه اتحاد شوروی به ویت نام قهرمان را تخطئه میکنند و باک ندارد حتی در برابر مایون ها چینی و ویت نامی که هر روز شاهد و ناظر آند آنرا انکار کند و از ارزش آن بکاهد.

سراسر اطلاعاتی پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین آکنده از سیاست تفرقه طلبانه و انشعابگرانه است که از چند سال پیش رهبری حزب کمونیست چین بصراحت دنبال میکند.

پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اطلاعیه خود یکبار دیگر، هرگونه وحدت عملی را با اتحاد جماهیر شوروی نیرومندترین قدرت اردوگاه سوسیالیستی در مبارزه بسود مردم ویت نام و امپریالیسم مهاجم امریکا رد میکند.

با این ترتیب رهبری حزب کمونیست چین در پلنوم یازدهم خود در جهت وحدت و پندگیری از حوادث ناگوار سالهای اخیر گام برنمیدارد. بعکس در روش سکتاریستی و انشعابگرانه خود بیشتر فرورفته و با آن بیش از پیش از حیثیت و اعتبار خود در خانواده بزرگ کمونیستی و کارگری میکاهد.

انفرد رهبری حزب کمونیست چین و ناکامی هائی که شیوه ماجراجویانه رهبری موزور در داخل و خارج کشور ببار آورده است عدم رضایت عده کثیری از مسئولین و فعالین را در درون حزب کمونیست چین برانگیخته است. در مطبوعات چین صریحاً نوشته شده است که در سالهای اخیر چند موج آیوژیسیون در داخل حزب برخاسته که آخرین آنها از همه خشمگین تر و پرخاشجو تر بوده است.

در دنبال ابراز این عدم رضایت ها و انتقاد ها است که رهبری حزب کمونیست چین با اقدامات دامنه داری بمنظور تصفیه دستگاههای دولتی و سازمان های حزبی از افراد مخالف دست میزند و بتدریج دامنه این اقدامات بانقلاب باصطلاح فرمینگ پرولتاریائی کشانیده شده است. در قطعنامه شانزده ماده آن که

یازدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره انقلاب بزرگ فرمینگ پرولتاریائی تصویب نموده است از تصفیه در زمینه هائی ایدئولوژیک، سازمانی، سیاسی و اقتصادی سخن رفته است. سازمان جوانان «گارد سرخ» بمنظور اجرای چنین تصفیه ای تشکیل شد و در زیر رهبری کمیته های خود به تصفیه وسیعی در سراسر چین دست زد است. تاکنون عده کثیری از افراد و کادر های حزبی از نویسندگان و استادان دانشگاه و هنرمندان و کارگران و کارمندان مشمول چنین تصفیه ای شده اند.

کتاب ادبی نویسندگان کلاسیک، صفحات استادان مشهور موزیک شاهکار های بزرگ هنری بعنوان آثار بورژوازی و بقیای قعودالی بدست همین جوانان «گارد سرخ» از بین میروند. جای آنها را تالیفات ماؤ و عکسها و مجسمه های کوچک و بزرگ وی میگیرند. از خصوصیات این انقلاب باصطلاح فرهنگی لغو ابتدائی ترین اصول و مقررات دانشگاهی و اعزام عده کثیری از روشنفکران بچرم داشتن انحراف بورژوازی و رویزیونیستی برای تجدید تربیت و کار در روستا ها و معادن، تعطیل بسیاری از روزنامه ها و مجلات و مؤسسات علمی و اجتماعی و فرهنگی است. این جریان سراسر چین را در بر گرفته است.

از متن فرمانی که روز جمعه ۹ سپتامبر ۱۹۶۶ از طرف «شعبه کنترل گارد سرخ» صادر و چندین روز در سراسر پکن با بلندگو ها تکرار شده است بخوبی روشن میشود که «گارد سرخ» چه زحمت و مراقبتهائی را برای مردم بیگناه ببار آورده است. در بقیه در صفحه ۸

بخش نخستین این مقاله در شماره ۱۷ ماهنامه مردم انتشار یافت و اینک بخش آخر آن :

زندگی شاه و دربار پهلوی از دیدۀ مطبوعات خارجی

و اینهم نظر دیگر روزنامه ایتالیائی بنام کوریره مرگان نیله ژوئن ۱۹۶۱ :

«شاه میدانند که با آمدن يك حکومت ملی دست او از دخالت در امور کشور کوتاه خواهد شد و حکومت ملی حتی با در نظر گرفتن تمایلات قشر های وسیع مردم ممکن است بساط سلطنت را در ایران برچیند و بجای آن رژیم جمهوری در ایران برقرار سازد... در تظاهرات چند ماهه اخیر خود مردم ایران نشان دادند که مخالف رژیم شاهاند و جمهوری را بر سلطنت ترجیح میدهند.»

در سال ۱۹۶۱ پروفیسور «کت» مأمور سابق آمریکا در ایران مقاله ای تحت عنوان «تصور و واقعیت در ایران» در شماره ۱۵ ایران نامه منتشره در آمریکا نگاشته است. پروفیسور «کت» معتقد است که شاه ایران هیچگونه پایگاهی در بین مردم ایران ندارد و حتی بارش نیز اعتماد نمیکند او از جمله مینوسد :

« اشکال عمده در راه سلطنت محمد رضا شاه رشد سریع کیفی و کمی طبقه سوم متوسط است که روشنفکران، بازرگانان و صاحبان مشاغل آزاد را دربر میگيرد. طبقه متوسط پیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند. اما در جامعه ای که خصلت کشاورزی و روستائی دارد طبقه متوسط اکثریت مطلق کسانی را در بر میگيرد که مستقیماً در امور کشوری دخالت میکنند.

شاه برای کسب حمایت سیاسی باید بلاکهای نیروهای تأمینیه تکیه کند اما حتی در این مورد هم باشکالائی روبروست. شاه برای اینکه صدای طبقه متوسط را که تقاضای شرکت در حکومت دارد فرو نشاند مجبور شده است تمام امور دولتی و پارلمانی نظامی و کشوری را در دستهای خود متمرکز سازد. در مورد نیروهای تأمینیه شاه مهارت زیادی در اعمال تاکتیک قدیمی «تفاهک و نفق» و حکومت کنن» از خود نشان داده است. برای اطمینان از همکاری ارتش، ژاندارمری و سازمان امنیت، افسران مقتدر و جاه طلبی را بررأس پستهای حساس این سازمانها گماشته است و با تشدید تضامات جاه طلبانه آنها، آنها را بیشتر تحت نظارت خود میگيرد. هر يك از این افسران مستقیماً با شاه مربوطند و شخصاً با او گزارش میدهند. سازمان امنیت شاه گشتاپوی ایرانست و مورد نفرت شدید عمومی است.

شاه از مردم ایران میترسد و حتی خیرگارانیکه چندی در ایران بسر برده اند این نظر را تأیید میکنند. روزنامه نگار امریکائی بنام هاری الیس در روزنامه «کریستین ساینس مونیتور» مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۱ مینوسد :

«من شاه را در فوریه گذشته در تهران پایتخت کشورش دیدم. در يك کالسکه طلا تنها نشسته بود و پس از افتتاح مجلس بکاخ باز میگشت. او در کالسکه تنها بود و مردم تهران در پیادهروها اجتماع کرده بودند. اما بین مردم و شاه صف فشرده ای از سربازانی که یکی از آنها روجمیت و دیگری روجیبان ایستاد بوده حائل بود. در تمام خط سیر، این منظره دیده میشد روی بامهای خانه ها سربازان کاملاً مسلح از بالا بجمیت چشم دوخته بودند.»

روزنامه فرانسوی «فرانس دیماش» در شماره ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۱ در مقاله مفصلی بقلم «میشل تورباک» از جمله بتظاهرات عظیم ۳۰ تیر ۱۳۴۰ اشاره کرده و منظره ترس و وحشت فرح و شاه را چنین ترسیم میکند. «روز ۳۰ تیر فرح دنیا در کاخ ایض محصور از پاسداران وفادار شاه و در پناه سیمهای خاردار تمام روز میلرزید زیرا در انسوی دیوارها جمعیت انبوه فریاد میزد «پیروز باد مصدق» این صدای نافذ از خلال پنجرهها رخنه میافت و رعشه بر بدن فرح میافکند. شاه در کنار فرح پهلوی نشسته بود و سازمان امنیت دمدم اخبار میدانها و خیابانها را باو میرساند. هر بار که تلفن زنگ میزد قلب فرح فرو میریخت و هر آن فکر میکرد که ممکن است مانند ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در بغداد جمعیت به قصر هجوم آورد و او و شوهرش را بقتل برساند.»

نشریه «پرس فرانسز» مورخ ۷ ژوئن ۱۹۶۳ در تفسیر خود ایران را يك بشکه باروت خوانده و متذکر میشود که هیچگونه شکی وجود ندارد که شاه ایران نه از اقتدار و محبوبیت و نه از حیثیت و آبرو در میان مردم برخوردار است. روزنامه دیگر فرانسوی «پاری پرس» ۷ ژوئن ۱۹۶۳ در مقاله ای راجع بایران مینوسد که : «کینه و نفرت از يك شخص یعنی شاه در دل همه جای گرفته است» و اضافه میکند بویژه «اگر يك روز مصدق جدیدی پیدا شود و جمهوری را طلب کند دیگر چه کسی خواهد توانست از قصور سلطنتی دفاع نماید.؟»

در آوریل سال ۱۹۶۵ استاد امریکائی کالیفرنیا وضع فعلی ایران را چنین تشریح کرد و گفت :

«روحانیون، که در رأس آنها خینی قرار دارد، موافق با طرد کامل رژیم هستند. میان میلیون لیبرال و چپ هنوز بعضی میانه روها وجود دارند که تربیت غربی دیده اند و از لحاظ سیاسی و فرهنگی متمایل به غربند و مایلند که در باره غرب و امریکا نوع دیگر قضاوت کنند، اما اغلب آنها تنها میمانند و جریان حوادث آنانرا بیخناح چپ میراند.

اینگونه افراد باین نتیجه میرسند که این حکومت را سرانجام باید با توسل بزور و حتی با دست زدن بتروار و از گون ساخت احتمالاً حتی ساواک (سازمان امنیت ایران) نیز نمیدانند که در داخل و خارج ایران میلیون چگونه برای این هدفها آمادگی پیدا کرده اند و پیش میروند. من ادعا میکنم که باین مناسبت روزهای شاه بسر آمده و شمرده شده، زیرا شانس نیز اغلب باو کمک کرده است. اما میتوان بدروستی گفت که سالهای او شمرده شده است. يك عصبان یا يك تصادم برای واژگون کردن این حکومت اجتناب ناپذیر است و یا حادثه ای خارجی و یا گلوله ای که بهتر از در مورد منصور هدف گیری شده باشد باین رژیم پایان خواهد داد. با تشدید مخالفت های داخلی چنین هم خواهد شد.»

هاری الیس روزنامه نگار امریکائی که در سال ۱۹۶۱ باشاه در تهران در دفتر کارش ملاقات کرده بود در شماره ۱۱۴ اکتبر روزنامه «کریستین ساینس مونیتور» مینوسد : «شاه گفت: «وقتی من از این قصر بیرون میروم هیچ نمیدانم زنده باز خواهم گشت یا نه؟»

۹ دسامبر سال ۱۹۶۵ شاه در مصاحبه ای با مفسر مشهور روزنامه لوموند اریک رولو آنچه را چهار سال پیش به هاری الیس گفته بود تکرار کرد و اظهار داشت :

«من دیگر امروز نمیتوانم حتی يك قدم بردارم، بدون اینکه تدابیر متعدد تأمینیه اتخاذ شود این غیر قابل تحمل است.»

روزنامه فرانسوی «فرانس دیماش» مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۱ پرده از روی یکی از اسرار دربار ایران برداشت و نوشت : «سالهاست که يك هواپیما همیشه در قصر در حال آماده باش است. شاه نه تنها هواپیمای حاضر برای فرار آماده دارد بلکه محلی را که باید بدانجا فرار کند سالها پیش حاضر و آماده نموده است.»

ایونیک استاندارد در شماره ۱۵ مه ۱۹۶۱ خود مینوسد :

«در حال حاضر شاه يك دستگاه آپارتمان دائمی در هتل اگلسیورم دارد اما اگر او باردیگر بمسافرت برود اوضاع واحوال برای غرب بهیچوجه مطبوع نخواهد بود.»

یکسال بعد روزنامه «فرانس دیماش» ژوئیه سال ۱۹۶۲ در این باره نوشت :

طبق اطلاعات واصله محمدرضا شاه در ناحیه کوت دازور ملك بزرگی باو بلای مجل خریرداری کرده و قصد دارد در صورتیکه جنبش مردم برای وی جنبه خطرناک بگیرد از ایران فرار کند و با آنجا پناهنده شود.» و بالاخره نیویورک هرالد تریبون در شاره ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۵ مینوسد :

«محمدرضا شاه و ملکه فرح در کوستادل سول واقع در اسپانیا نزدیک اندالوزیا ویلائی خریرداری نمودند.»

۱۴ مهرماه سال ۱۳۴۱ شاه در اجتماع افسران لشکر دو در باشگاه تبریز گفت :

«مثالهایی است معروف شاید فقط در زبان ما نباشد در زبانهای دیگری هم هست که میگوید شرط عقل اینست که در مقابل

بقیه از صفحه ۱

درو بر خلق قهرمان ویتنام

میآیند نمیتوانند بیایان یافتن این کانون جدید جنگ، این جنگی که یغماگران امپریالیستی بمردم استقلال طلب و آزادیخواه ویتنام تحمیل کرده اند و روز بروز دامنه آنرا وسیعتر میکنند، بیعلاقه بمانند.

یگانه راه استقرار صلح و پایان یافتن جنگ ویتنام قبول و اجراء موادیست که از طرف نیروهای آزادیبخش ملی و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام اعلام گردیده است. این مواد در واقع جز بیان خواست های مردم ویتنام در باره ترك تجاوز امریکا و خروج نیرو های آن از کشور مزبور، رعایت و اجراء مقررات موافقتنامه سال ۱۹۵۴ ژنو و پایان دادن بمداخلات غیر قانونی امریکا در امور داخلی ویتنام چیز دیگری نیست.

ولی امپریالیسم امریکا که در نتیجه پایداری دلیرانه مردم ویتنام و کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی و سایر دولتهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ضد امپریالیست و صلح طلب جهان از هم اکنون با شکست مواجه گردیده است میکوشد تا بلکه با کشتار های دسته جمعی مردم بیگناه و انهدام کور کورانه این کشور و با توسعه دادن دامنه جنگ شکست مفتضحانه خود را جبران نماید.

از سوی دیگر مردم صاحب دوست و ترقیخواه جهان، سازمانها و احزاب دموکراتیک در کشور های دیگر که از خطر توسعه این کانون جنگ آگاهی دارند و اهمیت پایان یافتن این جنگ رسوای امپریالیستی را برای تحکیم استقلال و آزادی کشورهای دیگر بخوبی درک میکنند، میکوشند تا با نمایشها و تظاهرات دامنه دار، با ابزار همبستگی نسبت بخلق ویتنام، با انواع کمکهای مادی و معنوی چنان فشار معنوی اعمال کنند که امپریالیسم امریکا در برابر افکار عمومی جهان و اداریتکرتجاوز گردد و باین جنگ رسوا خاتمه دهد.

مردم ایران نیز باید در این جهادی که بمنظور حفظ صلح جهانی در گرفته است شرکت جویند و بوجه شایسته ای وظیفه خویش را در پیروز ساختن آن ایفا نمایند. باید صدای اعتراض مردم آزاده ایران نیز بامواج عظیم اعتراضات مردم صاحبجو، استقلال طلب و آزادیخواه جهان بیویند، باید متجدداً این آتشی را که بجان ملت و کشور کوچکی افتاده است و شراره آن ممکن است دامن کشورهای دیگر و از جمله میهن عزیز ما را نیز بگیرد، خاموش ساخت.

بقیه در صفحه ۸

مخاطرات و شداید انسان سرش را خم کند بگذارند آن طوفان بگذرد بعد دومتبه قد علم کند.»

این باصطلاح مثل معروف چکیده تاکتیک سیاسی شاه در سالهای اخیر بوده و هست. در حال حاضر محمدرضا شاه دومرتبه قد علم کرده و هر روز حکم اعدام است که امضاء میکند و محاکمات نظامی است که راه میاندازد ولی با وجود این شاه در فکر روز فرار از ایران هم هست ویلاهایی در نقاط مختلف خریرداری میکند تا موافق با شرایط زمان و مکان بتواند باین و یا آن کشور پناهنده گردد. ولی آیا او خواهد توانست نقشه خود را عملی سازد؟

روزنامه فرانسوی «فرانس دیماش» مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۱ در پاسخ این سؤال چنین نگاشته است :

«... حوادث تاریخی بخصوص در دوران معاصر نشان داده است که چنین زمامدارانی تابحال کمتر موفق بفرار از خشم ملت خود شده اند.»

«شعله جنوب»

چه می نویسد

روزنامه اطلاع میدهد که «دکتر اقبال بتازگی دستور داده است از حقوق کارگران شرکت ملی نفت و شرکتهای عامل ۲۰۰ ریال و از کارمندان ۲۰۰ ریال برای کمک تأسیس دانشگاه صنعتی آریا مهر کسر نمایند.»

«شعله جنوب» شرح میدهد که چگونه کارگران کارگاه مرکزی آبادان برای کمک یکی از برادران کارگر خود که ماشین تراش مجروحش کرده بود و بهداری شرکت از معالجه او خودداری مینمود دست از کار میکشند، تهدید و فشار سازمان امنیت را بی اثر میسازند و حق کارگر مجروح را میستانند.

این اخبار نشان میدهد که چگونه در همین شرایط ترور و اختناق کارگران میتوانند با اتحاد و مبارزه موفقیتهایی بدست آورند. اینها پیروزیهای کوچکی است ولی نشان میدهد که با اتحاد و یگانگی میتوان بارزوها و خواستهای بزرگتری نائل آمد.

این اخبار، تبادل تجارب و راهنمایی دقیق و مشخص کمک ذیقیمتی به کارگران مبارز است و بآنها نشان میدهد که چگونه باید مشکل شد و مبارزه کرد. ما موفقیت ناشران «شعله جنوب» را صمیمانه آرزو میکنیم و بآنها رقیقانه درود میفرستیم.

بقیه از صفحه ۶

شماره دهم روزنامه «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران منتشر شد. در این شماره تشکیلات خوزستان از تمام رفقا و دوستانی که با گذشت و فداکاری خود بچاپ این نشریه کمک نموده اند تشکر کرده است. سرمقاله «شعله جنوب» به بحث در پیرامون وقایع ۲۸ مرداد پرداخته است و پس از بیان عواقب کودتای ۲۸ مرداد چنین مینویسد: «بشهادت دوست و دشمن حزب ما در پیشاپیش مردم ایران بشتر از هر دسته، جمعیت و سازمانی ضربات مهلک و بیدادگرانه این دستگاه وحشت و ترور را تحمل کرده و قربانیهای فراوانی نثار راه آزادی خلقهای ایران ساخته است. شهادت و اعدام هر یک از یاران ما اعم از افسر و شخصی، کارگر و روشنفکر صفحه زرین درخشانی در تاریخ مبارزات مردم ما گشوده است که هرگز از صفحه روزگاد زودده نمیشود...»

در مقاله دیگری پس از ذکر تبدیل محکومیت اعدام رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو به حبس ابد بدرستی خاطر نشان شده است که: «... اگر چه این تبدیل خود موفقیتی برای افکار عمومی بود ولی هرگز کافی نیست. این رفقا و سایر زندانیان سیاسی اعم از توده‌ای، و جبهه ملی و غیره «جرمی» جز وطن دوستی و ملت خواهی و ترقی و آبادانی ایران سعادت و رفاه مردم ایران نداشته و ندارند... خواستاریم که همه زندانیان سیاسی توده‌ای و غیر توده‌ای از زندان آزاد گردند و باغوش خانه و خانواده شان باز گردانده شوند». شعله جنوب قسمتهایی از آخرین دفاع این دو رفیق ارجمند حزبی را در دادگاه نظامی منتشر نموده است. این سخنان ساده، کوتاه، بدون ادعا و پرمعنی است و میهن دوستی و ایمان مبارزان توده‌ای را در این دوران سیاه نشان میدهد.

«زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران»، «گله ما از رهبران حزب کمونیست و رجال دولتی جمهوری توده‌ای رومانی»، «درد فراوان بمردم قهرمان ویتنام» مقاله‌های دیگر همین شماره است. شعله جنوب همیشه در شماره‌های خود

بطرز جالبی اخباری از مبارزات کارگران خوزستان برای بهبود شرایط کار و زندگی خود درج میکند و محرومیت‌های آنها را از زبان خودشان شرح میدهد. در این شماره نیز چند خبر درج شده است، از جمله اعتصاب پیروزمندانه ۷۰ نفر کارگران تعمیرات شعبه آب و بخار برای داشتن لباس و کفش کار، مبارزه موفقیت آمیز خانواده‌های ساکن منازل کارگری شرکت نفت برای جلوگیری از تصمیم شرکت نفت که میخواست مصرف برق کارگران را به یک رادیو و ۴ شعله چراغ محدود کند و اعتصاب ۳ روزه عده‌ای از کارگران گمرک برای اجرای قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و شکایت کارگران چندین قنادی از ستم کار فرما و غیره و غیره.

درد بر خلق قهرمان ویت نام

بقیه از صفحه ۷

اگر چه شرایط غیر دموکراتیک کشور ما مانع از آنست که مردم آزادیخواه، صلح طلب و میهن پرست ایران با تظاهرات پر دامنه خویش آفتاب که شایسته سنتهای عالی مردم میهن ماست احساسات همدردی برادرانه خود را نسبت به خلق قهرمان ویتنام ابراز دارند و انزجار و نفرت عمیق خویش را نسبت باین جنگ رسوا و غیر انسانی اعلام نمایند ولی باین وجود نباید همه راه‌ها را بسته تلقی نمود و بدست‌نزداین دشوارها را عمل باز ایستاد.

در حالیکه دولت ایران خود از اعضاء سازمان ملل متحد است و زمامداریش ادعا میکنند که هوادار حفظ صلح و امنیت جهانی و طرفدار رعایت اصول و مقررات بین المللی هستند، در حالیکه در خود ایالات متحده آمریکا صدای اعتراض مردم روز بروز بلند تر و محسوستر میگردد، مقامات دولتی ایران متعاقباً و قانوناً نمیتوانند تحت هیچ بهانه‌ای مانع از بروز احساسات مردم و اعلام خواست شروع آنها در مورد پایان دادن به جنگ ویتنام و رعایت اصول و مقررات موافقت نامه‌های ژنو گردد. بنابر این مردم ایران سازمانهای مختلفه سیاسی، ملی و اجتماعی میتوانند با اطمینان بدرستی و حقانیت و همچنین قانونی بودن عمل خویش در این کار زار جهانی بخاطر حفظ صلح و خاموش ساختن نازده جنگ شرکت نمایند.

باید از دولت ایران خواست که موضع صریح خود را در مورد جنگ ویتنام اعلام نماید و برای خاتمه دادن باین جنگ با کلیه دولت‌های صلح طلب فعلاانه تشریک مساعی نماید. باید با ارسال نامه‌ها و تلگراف‌های اعتراضی، مراجع دولتی، مجلس شورا و سنا و بمطبوعات ایران دولت را وادار ساخت که از سیاست درونی دست بکشند و این مورد موضع آشکار و صریح

انتخاب نماید. باید از سازمانهای سیاسی و اجتماعی موجود و از جمله حزب دولتی «ایران نوین» که نخست وزیر بر رأس آنست و اکثریت نمایندگان مجلس عضو آن بشمار میروند ضریحاً خواست که نظر خود را درباره جنگ ویتنام و کوشش برای خاتمه دادن بان اعلام دارند. باید از مطبوعات ایران خواست که هر چه بیشتر صدای اعتراض مردم ایران را نسبت به بهاران وحشیانه مردم پدافعال، بیمارستانها، شیرخوارگاه‌ها و کودکانها منعکس سازند.

باید با ارسال نامه و تلگرافهای اعتراضی سفارتات و کنسولگریهای آمریکا در ایران، شورای ملل متحد بسازمانها و مراجع بین المللی، بنجمنهای مختلفه فرهنگی و اطلاعاتی امریکائیان در ایران مراتب انزجار و نفرت عمیق مردم ایران نسبت باین جنگ رسوا اعلام و خواست شروع مردم میهن ما در مورد پایان بخشیدن باین جنگ روشن گردد.

اکنون که بمناسبت دوازدهمین سالگرد موافقت نامه‌های ژنو کارزار وسیعی بمنظور خاتمه دادن به جنگ ویتنام بر پاست و هزاران نفر از دانشمندان، سیاستمداران نویسندگان و سایر افراد روشنفکر و ترقیخواه با اعضاء ذیل دعوتنامه شورای جهانی صلح در این تقدس برای خاموش ساختن نازده جنگ ویتنام شرکت میکنند، جا دارد که دانشمندان، سیاستمداران و روشنفکران ایرانی نیز از همکاران خویش عقب نمانند و بهر وسیله‌ای که مقتضی میدانند سهم خود را در این مورد ادا نمایند. ایرانیان خارج از کشور که امکانات بیشتری دارند میتوانند با شرکت در تمام تظاهرات و اقداماتی که در محل اقامت آنها بنفع مردم ویتنام صورت میگردد و با ابتکارات سودمند دیگری در جهت تجهیز ایرانیان اقامتگاه خویش این وظیفه انسانی، بین المللی و ملی خویش را انجام دهند.

هموطنان ما میتوانند نام جمع آوری کمک‌های به ویتنام را در محیط کار و فعالیت خویش سازمان دهند و از شیر و خورشید سرخ، صلیب سرخ بین المللی و یا هر سازمان اجتماعی و مرجع مورد اعتماد خود بخوانند که این کمکها را بمردم ویتنام برسانند.

نباید چنین انگشت که گویا ارسال نامه و تلگراف اعتراضی و ارسال پیام بمردم ویتنام با اقدامات دیگری از این قبیل مؤثر نیست و کمکی بمبارزه عادلانه خلق ویتنام نمیکند. بعکس این نوع اقدامات نه تنها شرکت مردم ایران در اعمال فحاشی است که از جانب افکار عمومی جهان نسبت به امپریالیستها، یکجائی وارد میگردد بلکه در عین حال تأثیر بسزائی در روحیه جنگاوران ویتنامی که همواره برای این قبیل همدردی ملت‌ها ارزش فراوانی قائلند خواهد داشت.

هموطنان عزیز! خواهران و برادران ایرانی! بهر وسیله‌ای که میتوانید در جنبش اعتراض علیه جنایات امپریالیست‌ها و ویتنام، در پشتیبانی از مبارزه خلق دلاور ویتنام، در پیوستن به خواست شروع همه مردم آزاده جهان برای پایان بخشیدن به جنگ رسوا امپریالیستی در ویتنام شرکت جوئید. مردم آزاده، دلیر و باادار ویتنام که از خانه و کاشانه خود از استقلال و آزادی خود، از کودکان خردسال، از مزرعه، کارخانه و دستاوردهای ملی خویش دفاع میکنند یاری نمایند.

دفاع از مبارزه عادلانه مردم ویتنام در مقیاس بین المللی و هم از نظر داخلی بمنزله مبارزه علیه امپریالیسم و بیکار در راه استقلال و آزادی کشور ماست. زیرا آزادی و استقلال ملت‌ها از یکدیگر جدا نیست و بعمارکان امپریالیستی دشمن مشترک استقلال و آزادی همه کشورها و خلق‌ها هستند.

پیروز با مبارزه خلق قهرمان ویتنام. بوری کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۱ مرداد ماه ۱۳۴۵ (۲۲ اوت ۱۹۶۶)

و ارتجاع خاتمه بخشد و پیروسه عظیم انقلابی جهانی را تسریع و به سرمنزل مقصود هدایت نماید. حزب ما دوشا دوش همه احزاب کمونیستی و کارگری از هیچ کوششی برای احیاء وحدت اصولی برپایه مارکسیسم-لنینیسم خلاق و اسناد مصوبه جلبات مشاوره سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ دریغ نکرده و نخواهد نمود.

در باره حوادث اخیر چین

حوادث، از تفرقه و تشتتی که در جهان سوسیالیسم و در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بوجود آمده است حد اکثر استفاده را می نمایند. رنچارد نیکسون معاون سابق رئیس جمهوری آمریکا و یکی از سخنگویان مهم مخالف ارتجاعی امپریالیستی ایالات متحده در شماره ژانویه ۱۹۶۶ مجله امریکائی «ریدرز دایجست» تصریح کرد که اختلاف بین چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی «فرصت طلایی» برای بسط فعالیت امپریالیستها بوجود آورده است. وی در این مقاله چنین نوشت: «امروز چین کمونیست و روسیه متحد نیستند... کسانیکه نظرشان اینست که باید فعلا عقب نشینی کرد و منتظر موقعیت بهتری شد وضع فعلی را که فرصت طلایی برای استفاده از موقعیت میباشد بعثت بیمی که دارند در نظر نمیگیرند. امروز دشمن ضعیف و متشتت است و هیچ زمانی بهتر از حالا فرصت مناسب بدست نخواهد آمد که دنیای آزاد بتواند کمونیست‌های متجاوز را سر جای خودشان بنشاند. روزنامه «نیویورک تایمز» در مقاله اساسی ۶ سپتامبر ۱۹۶۶ خود نوشت که یکی از عواملی که شانس موفقیت جنگ رهائی بخش را کم میکند عبارت است از اختلاف عظیم در جنبش کمونیستی جهانی.

این جریان در بسیاری کشورها نیروهای طرفدار چین و هوادار شوروی را با یکدیگر دست به بجه کرده است... آن اثری که این گروه‌ها علیه هم مصرف میکنند، نمیتواند علیه ایالات متحده مصرف شود. تصور میروند از این راستر نمیتوان عواقب شوم اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی را از زبان دشمنان انقلاب شنید. تشدید تهاجم امپریالیسم و ارتجاع در آسیا، افریقا و امریکای لاتین از مظاهر سوء این تفرقه و تشتت است. تاریخ مسئولیت انرا بر حساب کسانی ثبت خواهد نمود که با عملیات اشتعالگرانه خود این تفرقه و تشتت را بوجود آورده اند و به آن دامن میزنند و از این راه آب باسیاب دشمنان طبقاتی، امپریالیستها و ارتجاعیون میزنند. وحدت و یکپارچگی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری آن تنها نیروی لایزال است که میتواند به تهاجم امپریالیسم

این فرمان بگردد سرخ دستور داده شده است که از استتقاق و تبعید اجباری مردم، مسخ قیافه و تحقیر آنها، کتک زدن بانها، آویختن لوحه توهین بگردن آنها، ایجاد گروههای اجباری کار و غیره خود داری شود. انتقاد از عملیات «گارد سرخ» زمانی شروع شد که مردم دست بمقاومت زدند و عده‌ای از اعضاء گارد سرخ را بقتل رساندند. این اقدامات در یک کشور سوسیالیستی آنهم بنام «انقلاب فرهنگی پرولتاری» تنها میگذرد نام بزرگ سوسیالیسم و فرهنگ و پرولتاریات.

لنین بزرگ بما میاموزد: «فرهنگ پرولتاری بایستی رشد و تکامل قانونی آن ذخیره‌های آن دانش انسانی باشد که بشریت در زیر ستم جوامع سرمایه داری و مالکی و بوروکراتیک بدست آورده است... (جلد ۳۱ صفحه ۲۱۲). پیروزیهای بشریت را در زمینه فرهنگ نمیتوان تنها بحساب طبقات استثمارگر نوشت. طبقات زحمتکش با درد و رنج و مبارزه خود مهر و نشان خویش را در ایجاد ارزشهای بزرگ ادبی و هنری برای نسل‌های آینده گذاشته اند. اراده این یا آن فرد و گروه نمیتواند جامعه را از اینهمه گنجینه‌های شگرف فرهنگی محروم سازد.

فرهنگ سوسیالیستی ذخائر فرهنگی دورانهای گذشته را حفظ میکند و آنها را با تجارب خود غنیتر میسازد و از آنها در مبارزه انقلابی خویش برای تحول آینده جامعه بسوی کمونیسم استفاده مینماید. حزب ما که خود در کنوری دارای فرهنگ بسیار غنی و کهنسال فعالیت میکند هرگز از این آموزش لنین دانه به بزرگداشت فرهنگ گذشته و استفاده صحیح از آن چشم نخواهد پوشید. چین پر جمعیت ترین کشور سوسیالیستی است، دارای فرهنگ و تمدن غنی باستانی و گذشته انقلابی است. بنا بر این حوادث ناگواری که در این کشور میگذرد هم اکنون نتایج سوء خود را در همه زمینه‌ها بوئزه در جهان سیاست بضرر جهان سوسیالیسم و کمونیسم و بضرر جنبش‌های رهائی بخش ملی ببار آورده است. امپریالیسم و ارتجاع جهانی از آثار سوء این